

متن پرسش

با سلام و ادب و احترام . لطفا به شش بخش سوال ها توجه بفرمایید و در صورت دادن رفرنس ، برای هر قسمت جواب جداگانه ای بفرمایید و ازدادن جواب کلی برای همه سوال ها دوری کنید: (۱) علامه محمد تقی جعفری در صفحه ۳۲ کتاب قرآن نماد حیات معقول ، فرمودند : " برای رسیدن به وحدت و صلح در روابط انسانی ، جز شورای قضایی و شورای فتوایی راه دیگری وجود ندارد " . چرا هر عامل دیگری از جمله تبعیت از ولی فقیه برای رسیدن به وحدت و صلح در روابط انسانی مد نظر قرار نگرفته است و رد شده است ؟ (۲) با توجه به پاسخ شما در سوال ۵۹۵ پس فقط فقیه دیگری حق ندارد بگوید من میخواستم امور حسبیه را که ولی فقیه در اختیار دارد (نه همه ی اموری که تحت ولایت ولی فقیه است) در اختیار بگیرم . پس هم اکنون منسب ولایت فقیه در جامعه به جز چند وظیفه ی محدود رهبری که مربوط به امور حسبیه است ، از گردن دیگر فقها ساقط نشده است . استاد انقلاب ما میفرمودند "یکبار در مجلس شورایی کردن ولی فقیه آن هم به صورت کشفی نه انتسابی مطرح شد اما به تصویب نرسید " . آیا میتوان علت مطرح شدن آن را مورد فوق دانست ؟ چه علت دیگری دارد ؟ (۳) با توجه به این که تئوری های اسلامی از جمله نظریه ولایت فقیه ، باید در مقام تئوری صد در صد صحیح باشد و هیچ امری در تصحیح نظریه ولایت فقیه اثر نگذارد حتی آزمون عملی این نظریه ، اولاً چرا جایگزینی یک شخص در منسب ولی فقیه با شورایی شدن این منسب در مجلس مطرح شد ؟ ثانياً استاد رحیم پور گفتند " امام ابتدا نظارت را مطرح کرد بعد از این حیث که دیدند نظارت فقیه جواب نمیدهد و انتظار ایشان را از نظریه ولایت فقیه بر آورده نمیکند ، ولایت فقیه را مطرح کردند " . آیا این به معنی تاثیر آزمون عملی در تئوری این نظریه نمیباشد ؟ (۴) در اعیان الشیعه ج ۶ ص ۷۸ ، در ضمن دستور العمل های ابن اسینا به ابی سعید ابی الخیر میخوانیم "و آنگاه که این حالت برای او ملکه شدسکینه و آرامش به او افاضه میشود ، و بر اوضاع عالم ناسوت مطلع میشود " این در حالی است که بزرگان دیگری هم هستند که اطلاع از اخبار و اوضاع زمین را در ضمن سلوک تایید کردند بویژه پس از فرج شخصی . چطور شما میفرمایید که اوضاع عالم ناسوت به قلب شما اشراق نمیشود ؟ آیا مطالب فوق باطل است ؟ .

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: ۱- در گزارشی که فقهای مجلس خبرگان می‌دادند به این نتیجه رسیده بودند که اداره کشور به صورت شورایی تصمیم‌گیری را سخت و کند می‌کند و در صورتی که نتوانند به

فرد صاحب صلاحیت برسند به فکر شورای رهبری می‌افتند. افلاطون نیز مدیریت شورایی را موقعی معقول می‌داند که قانونی نباشد تا رهبر جامعه با تکیه بر آن بر جامعه حکم براند، در حالی که در نظام سیاسی جمهوری اسلامی کسی انتخاب می‌شود که به عنوان فقیه، کارشناس کشف حکم خدا است و لذا نیاز به رهبری جامعه به صورت شورایی نمی‌ماند، با توجه به این که به‌واقع اگر شورای رهبری بود و می‌خواست در موردی تصمیم بگیرد با توجه به اختلاف نظر و سلیقه که به طور طبیعی بین افراد پیش می‌آید، تصمیم‌گیری بسیار کند و غیر قاطع می‌شد. ۲- وقتی فقیه در جامعه حاکم شد، امور حکومتی منوط به حکم اوست ولی مردم در امور فردی یعنی فتوا به هر فقیهی می‌توانند رجوع کنند. فکر نمی‌کنم اساساً موضوع شورایی یا غیر شورایی در امر رهبری در حیطه‌ی مجلس باشد، احتمالاً منظور استاد شما مجلس خبرگان بوده و موضوع همان بود که عرض شد. ۳- نظریه‌ی ولایت فقیه به عنوان نظریه‌ای که می‌گوید: باید در زمان غیبت فقه آل محمد تکلیف جامعه و افراد را تعیین کند از جهت دلایل عقلی و نقلی یک نظریه‌ی خدشه‌ناپذیر است و چگونگی اجرای آن □ چه فردی، چه شورایی □ خدش‌های بر اصل آن وارد نمی‌کند. عنایت داشته باشید که همیشه سخن حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» ولایت فقیه بوده و نه نظارت فقیه و بحث ولایت فقیه را در سال ۱۳۴۷ در درس خارج خود در نجف کلاماً بحث و حلاجی کردند. آری حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در ابتدا فکر می‌کردند همین که در قم باشند و رهنمود بدهند کارها جلو می‌رود، ولی بعداً روشن شد باید حضور فعال‌تری داشته باشند. پس باز موضوع برمی‌گردد به چگونگی اجراء نظریه‌ی ولایت فقیه و به وثاقت آن خدش‌های وارد نیست. ۴- بنده معتقدم هر قلبی با تدبّر در قرآن و دل‌دادن به پیام آیات و وحی، قواعد و سنن الهی را می‌یابد و با استحکام تمام در این عالم زندگی می‌کند که نمونه‌ی شاخص چنین شخصی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بودند. موفق باشید